

آیه شریفه می فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا». در آویختن به رشته الهی، همراهی با ولایت است، یعنی همه با هم باشید. کسی کنار نرود، جدا نشود. شکاف اجتماعی بزرگ ترین خطری است که جامعه اسلامی را تهدید می کند و در جای جای آیات قرآن می گوید با وجود این خطر بزرگ، دچار فروپاشی هویتی می شوید. نایستی تفرقه اتفاق بیفتد. آهنگ کار در همه عرصه های عمومی باید همبستگی و انسجام باشد. همه هم تکلیف و هم حق دارند. حق و تکلیف متقابل در میان است، اما آیه به این شکل است که از تمام جامعه خواسته شده است.

بنا به این که فرمود: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»، فلسفه بعثت انبیاء، ارسال رسل و انزال کتب و وجود سنجه و میزان این است که مردم به دادگری برخیزند و یک قیام عمومی برای تحقق عدالت در همه عرصه ها شکل بگیرد. منظور از «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»، نه این که دولت وظیفه ای ندارد، بلکه می گوید دولت و ملت برای تحقق عدالت «وظیفه مشترک» دارند. یا آیاتی که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ» یا می گوید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» یا این که بیان می دارد: «قُلْ إِنَّمَا أَعْطِيكُمْ بِوَاحِدَةٍ» فرمایش خداوند تبارک و تعالی به رسول گرامی است که بگو من یک سخن بیشتر ندارم: «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ»؛ برای خدا قیام کنید.

امام خمینی از این آیه در سخنرانی معروف شان که قدیمی ترین سند انقلاب اسلامی است، چنین برداشت می کند: «خدای تعالی در این کلام شریف، از سرمنزل تاریک طبیعت تا منتهای سیر انسانیت را بیان کرده، و بهترین موعظه هایی است که خدای عالم از میانه تمام مواظبت انتخاب فرموده و این یک کلمه را پیشنهاد بشر فرموده. این کلمه تنها راه اصلاح دو جهان است، و در ادامه می افزاید: «خودخواهی و ترک قیام برای خدا، ما را به این روزگار سیاه رسانده و همه جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران درآورده. قیام برای منافع شخصی است که روح وحدت و برادری را در ملت اسلامی خفه کرده».

پس معلوم شد که قرآن یک آهنگ عمومی برای عدالت، نظم، امنیت، پیشرفت، رفاه و رشد دارد و هر کسی به سهم خودش مسئولیت دارد. مسئولیت، امر مشترک کل امت است. حالا پیشگام این حرکت، امام مسلمین است که منصوب به ولی الله است و مجموعه دولت که زیر سایه امام است. اما این نیست که ملت تماشاچی بشوند! ملت باید در صحنه حاضر باشند. مردم نباید بگویند عدالت و پیشرفت کار دولت است، کار ما نیست. رأی بدهیم و بعد منتظر باشیم و ببینیم که دولت چه کار می خواهد بکند! و بعد فقط از دولت مطالبه گری کنیم یا این که همان کار را هم نکنیم. نه، همه باید حرکت بکنند. هر جا کاستی یا سستی وجود دارد یا اشکالی یا آسیبی دیده می شود، همه مسئولیت مشترک دارند که به نحو «وجوب کفایی»، آن را برطرف بکنند. این جانمایی وضع نظام امامت و امت است. مخاطب، همه جامعه اسلامی است، چه امام و چه امت، چه دولت و چه ملت؛ بنابراین هر کسی به میزان نقشی که می تواند ایفا بکند، مسئول است. امیرالمؤمنین (ع) چرا مسئولیت وزارت را پذیرفت؟ فرمود من اگر وزیر باشم، بهتر از این است که امیر باشم. وقتی خیلی اصرار کردند، قبول کرد و یک جمله تاریخی فرمود: «لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ»، یعنی مردم حضور داشتند. «و قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ» به واسطه مردمی که گفتند ما حاضریم کمک بکنیم، حجت تمام شد. امام علی (ع) در این بیان شریف به حضور مردم در صحنه و وجود بسترهای لازم برای کمک به امام مسلمین و ایجاد زمینه های لازم برای توانمندی و قدرت گیری رهبر مسلمین اشاره می کند. این دو، از شروط قبول مسئولیت امام بود. رسول الله (ص) هم بدون پشتوانه مردم نمی توانست نهضت اسلام را جلو ببرد. این بیان بنده نیست، سخن امام خمینی است. امام می فرماید رسول الله هم بدون پشتوانه مردم نمی توانست کاری بکند. شاید جمله امام برگرفته از این آیه شریفه باشد که فرمود: «هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنُصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ». مگر نه این که: «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»؟ اما می فرماید که خداوند، رسول اکرم (ص) را با اعتماد به قدرت خدا و با حضور مردم در صحنه پیروز کرد. لذا احکام عمومی اسلام، مانند امر به معروف و نهی از منکر، بدون استثنا همه اش واجب کفایی است؛ یعنی تازمانی که کار انجام نشده است، همه مسئولند. هیچ کس نباید کنار بکشد.